

## در مسیر یادگیری مان با ما مصوری کنید نویسنده: جو هولاند

ای مسیحیانی که از من بزرگتر هستید، می‌دانم که در گذشته آن حالت چهره‌ی مرا دیده‌اید. زمانی که مسیحی جواتتری بودم، بیش از امروز حالت چهره‌ام آن گونه می‌شد و فقط می‌توانم این تغییر را به فیض تنبه‌آمیز خداوند نسبت دهم. اما هنوز هم در بعضی از روزها آن حالت چهره بر صورتم می‌نشیند. ولی اکنون، در چهل سالگی، وارد مرحله‌ی عجیبی از زندگی شده‌ام، سنی دارم که بعضی مرا سالخورده و بعضی هنوز مرا جوان (و خام) می‌پندارند. اکنون همین حالت چهره را بر مسیحیانی که از من کم‌سال‌تر هستند مشاهده می‌کنم. این حالت چهره، که از توصیفش با کلمات شرم دارم، که از بی‌زاری و بی‌اعتنایی است. من از شما بیزار بودم، زیرا شما مسن‌تر بودید و با بعضی از آسودگی‌هایی که در زندگی خداپسندانه و سن بالا همراه است آشنا بودید، اما کارها و تفکر شما از مدافتاده و بی‌معنی به نظر می‌رسیدند و معتقد بودم این‌ها آن چیزهایی نیستند که من و کلیسای ما بدان نیاز داریم. بی‌اعتنایی‌ام به شما عمدتاً به این دلیل بود که شکاف نسل میان‌مان جدایی افکنده بود. به شما بی‌اعتنا بودم، و چون از آن شکاف عبور نمی‌کردید دلخور بودم و هم‌زمان عمیقاً واهمه داشتم که از شکاف گذر کنید و حقیقت را به من بگویید؛ حقیقتی که می‌بایست می‌شنیدم، ولی نمی‌خواستم بشنوم. بی‌اعتنایی کردن به شما کار آسان‌تری بود.

کودک، ناپخته و نادان بودم. در قبال شما گناه کردم و احترامی را که شایسته بودید به جای نیاوردم (خروج ۲۰: ۱۲ و امثال ۲۰: ۲۹). در قبال خداوند گناه کردم، زیرا از مقدسین سالخورده‌ای که به کلیسا هدیه کرده بود بیزار بودم. هزینه‌ی غرورم را با تاراج خودم پرداخت کردم.

چطور ممکن است این گناهان مدت‌ها پابرجا بمانند؟ من عادت‌ی نادرست را، که سرطان جوانی است، در خود پرورش دادم، در شنیدن آهسته و در گفتن تند بودم (یعقوب ۱: ۱۹). کندی من در گوش دادن ناشی از کوری دوگانه‌ام بود. اولاً، در برابر جهل خود کور بودم. هم‌چون خواننده‌ای جوان که تا زندگی نکرده باشد نمی‌تواند به‌خوبی آهنگ غمگین بخواند، مسیحیان جوان نیز باید فراوان گوش کنند، به مقدسین مجربی که پیش از ایشان آمده‌اند گوش فرا دهند تا سرانجام بتوانند با اطمینان درباره‌ی زندگی اظهاراتی بیان کنند. اما من در برابر شما و حکمت شما نیز کور بودم. در پی گوش فرا دادن به شما نبودم، زیرا می‌پنداشتم شما هیچ چیزی که ارزش شنیدن داشته باشد در چپته ندارید. ای مسیحیان سالخورده، شما سرد و گرم

آزمایش‌های زندگی را در فیض خداوند چشیده‌اید. شما فقط دانش کتاب‌مقدس ندارید، بلکه از حکمت آن نیز بهره‌مند هستید. شما با پدران ایمان و مادران صهیون جلوس کرده‌اید. و من در برابر این واقعیات کور بودم.

من در سخن گفتن نیز تیز بودم. همان‌طور که کندی‌ام در گوش فرا دادن ناشی از کوری دوجانبه‌ای بود، شتابم در سخن گفتن نیز ریشه در غروری دوجانبه داشت. نخست، غرق این اندیشه‌ی غرورآمیز بودم که چیزی برای گفتن دارم، به بیان بهتر، می‌خواستم مرا کسی بیندارند که چیزی برای گفتن دارد. اما دوم، و از گفتن این یک شرم دارم، سریع حرف می‌زدم، زیرا تصور می‌کردم چیزی برای آموختن به شما دارم، هم‌چون نوزادی که میل دارد سر میز شام توجه همه‌ی خانواده را به خود جلب کند. تند حرف می‌زدم، زیرا درباره‌ی خودم و شما قضاوت نادرستی داشتم، خود را بیش از حد بزرگ می‌پنداشتم و شما را بیش از حد خوار می‌دانستم.

اما اکنون به دشوارترین بخش از سخنم رسیده‌ام: درخواستم از شما.

از آن جا که جوانان در سویی و پیران در سوی دیگر این شکاف سنی قرار دارند، یکی از ما می‌بایست اولین قدم را بردارد. کاش می‌توانستم این بار را بر دوش هر دو دسته بگذارم. اما غرور، ضعف و ناپایداری باعث می‌شود جوانان در وضعیت ناگواری قرار داشته باشند. مقدسین سالمندتر، شما باید قدم اول را بردارید و در پی ما برآیید. باید به جستجوی مسیحیان جوان‌تر بیایید، ارشادشان کنید، آموزش‌شان دهید و به ایشان عشق بورزید. از شما درخواست دارم با مسیحیان جوان‌تر از خود همان صبوری را پیشه کنید که پروردگار ما عیسی مسیح نمونه‌اش بود. هرگاه از سر غرور رفتاری از ما سر زد، لطفاً صبوری کنید. هرگاه در گوش فرا دادن کوتاهی کردیم، لطفاً با شکیبایی تحمل‌مان کنید. هرگاه در سخن گفتن شتاب کردیم، لطفاً با صبر به ما گوش فرا دهید و لبخند بر لب داشته باشید تا ما روزی معنای آن را که ترکیبی از دل‌سوزی و محبت است دریابیم. هرگاه بر چهره‌ی ما بی‌زاری و بی‌اعتنایی دیدید، لطفاً در برابر این توهین شکیبایی باشید و ما را ببخشید. لطفاً صبورانه ما را اصلاح کنید، برایمان دعا کنید و در کنار ما بمانید. اگر شما قدم اول را بردارید، اگر با صبوری هم‌چون صبر مسیح پیش ما نمانید، این شکاف میان ما پابرجا خواهد ماند و به زیان هر دو گروه خواهد شد.

لطفاً ای مسیحیان بزرگتر، در مسیر یادگیری‌مان با ما صبوری کنید.

کشیش جو هولاند دستیار ویراستار در سازمان لیگونیر و کشیش در کلیسای پرزبیتری آمریکا است.

این مقاله در مجله [تیبل تاک](#) منتشر شده است.